

روستا

راهنمای رمان‌های ماندگار

جای خالی سلوچ



بعد از «کلیدر» رمان «جای خالی سلوچ» را می‌توان از مشهورترین آثار محمود دولت‌آبادی دانست. رمان، زندگی مشقت‌بار یک زن روستایی به نام «مرگان» را روایت می‌کند که در یکی از روستاهای دورافتاده ایران به نام «زمینج» زندگی می‌کند. سلوچ که شوهر مرگان است، به ناگهان ناپدید می‌شود و مرگان تلاش می‌کند کانون خانواده را که شامل ۲ پسر به نام‌های عباس و ابرو و یک دختر دوازده ساله به نام هاجر است، همچنان حفظ کند.

روزگار سپری شده مردم سالخورده



«روزگار سپری شده مردم سالخورده» پس از «کلیدر» طولانی‌ترین رمان محمود دولت‌آبادی است. این رمان سه جلدی روایتی مفصل و پر از جزئیات است که درباره دو نسل حرف می‌زند. «اقلیم باد»، «برزخ خس» و «پایان جغد»، سه کتاب «روزگار سپری شده مردم سالخورده» هستند، دولت‌آبادی در این اثر هم سراغ سرنوشت روستاییان رفته است. داستان در جلد اول و دوم در روستای «کلخجان» و روستاهای همجوارش می‌گذرد، گوشه‌ای تک‌افتاده از سبزووار و بعد در جلد سوم یعنی «پایان جغد» نویسنده داستانش را به شهر می‌کشاند.

روز و شب یوسف



داستان بلند «روز و شب یوسف» یکی از داستان‌هایی است که در ذهن محمود دولت‌آبادی هنگام نگارش رمان حماسی «کلیدر» شکل گرفته است. داستان کتاب «روز و شب یوسف» درباره پسر نوجوانی به نام یوسف است که به سن بلوغ رسیده است و مشغول گذراندن دوران بلوغ است.



کلیدر روح ملی ایران

چرا کلیدر اثر محمود دولت‌آبادی رمان مهمی است و باید خوانده شود؟

می‌توان آن را بزرگ‌ترین، بلندترین و مهم‌ترین رمان فارسی دانست؛ رمانی ده جلدی با بیش از ۲۵۰۰ صفحه که پس از چهار دهه، هنوز چاپ می‌شود، خوانده می‌شود، نقد می‌شود. سال ۱۳۹۲ سایت ویکی‌پدیا در گزارشی با در نظر گرفتن عوامل متعددی چون تعداد کلمه‌ها، به معرفی طولانی‌ترین رمان‌های ادبیات جهان پرداخت که در این میان، رمان «کلیدر» که در ۱۰ جلد و ۲۸۳۶ صفحه توسط انتشارات فرهنگ معاصر به زبان فارسی منتشر شده، با داشتن حدود ۹۵۰ هزار کلمه بعد از رمان مشهور «در جستجوی زمان از دست‌رفته» نوشته مارسل پروست (هفت جلد، ۴۲۱۱ صفحه و با حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار کلمه) در رتبه دوم قرار گرفت.

در اهمیت این رمان، محمود دولت‌آبادی بارها در مصاحبه‌هایش از آن سخن گفته است و بسیاری از نویسندگان و منتقدان نیز درباره آن سخن گفته و کتاب‌ها نوشته‌اند. «کلیدر»؛ کلید زبان در قفل «نوشته‌های اولیایی‌نیا، راه و خاک و رود» نوشته سیداسلام دعاگو، و «کلیدر در اسناد و واقعیت» از جمله کتاب‌هایی هستند که به این رمان بزرگ پرداخته‌اند. «کلیدر» داستان گل محمد، قهرمان مردمی سبزووار است که پس از جنگ جهانی دوم به علت مبارزاتش با اربابان و والیان حکومت بازداشت و به جوخه اعدام سپرده شد. آن زمان محمود دولت‌آبادی ۵ یا ۶ سال داشت و دوران کودکی‌اش آکنده بود از ذکر اشعار و داستان‌هایی که به مدح و مرثیه‌سرایی گل محمد می‌پرداختند. این چنین بود که وقتی به جوانی رسید و راه

جدید آن را شروع می‌کند که روند چاپ کلیدر تا به امروز بدون وقفه ادامه یافته است و چاپ دورقمی آن نشان از همین دارد: «اولین مواجهه و برخورد من با کلیدر برمی‌گردد به سال‌های ۵۷-۵۶، که از طریق آقای اسلامی که ناشر کلیدر بود، در جریان انتشار جلد اول و دوم کلیدر قرار گرفتم. جلد سوم و چهارم هم چاپ شده بود، که آقای اسلامی از انتشار کار انصراف دادند. سال ۶۰ بود که من انتشار کلیدر را به عهده گرفتم. در اصل کلیدر جزو نخستین کارهای انتشارات «فرهنگ معاصر» بود. بعد از عقد قرارداد با آقای دولت‌آبادی، جلد‌های یک تا چهار را مجدداً با حروف چینی جدید با ده هزار نسخه منتشر کردیم. در آن موقعی که کلیدر را به صورت تفکیک‌شده و جداگانه چاپ می‌کردیم، اصلاً فکر نمی‌کردم کلیدر قرار است به ۱۰ جلد برسد، نهایت برآورد ما هفت تا هشت جلد بود. ما مشغول حروف چینی و چاپ بودیم و آقای دولت‌آبادی مشغول نوشتن. سال ۶۲ بود که برای نخستین بار دوره کامل کلیدر در پنج جلد و با تیراژ ده هزار نسخه منتشر شد. در این بین ما علاوه بر چاپ کامل دوره ده جلدی، ۲۰ هزار نسخه ناقص (یعنی جلد‌های ۵ تا ۱۰) هم چاپ کردیم؛ چون قبلاً جلد‌های یک تا چهار حدود ۲۰ هزار نسخه چاپ شده بود، یعنی در همان سال ۶۲، ما هم یک دوره کامل ۱۰ هزار نسخه‌ای چاپ کردیم، هم ۲۰ هزار نسخه متفرقه، تا بدین طریق بتوانیم نیاز همه مخاطبان کلیدر را پاسخ داده باشیم.» اکنون و پس از چهار دهه، «کلیدر» به یکی از پرخواننده‌ترین و محبوب‌ترین رمان‌های فارسی تبدیل شده است. و

سمیه مهرگان روزنامه‌نگار و داستان‌نویس

«یکی دو سالی طول کشید تا مجوز [کلیدر] بیابد، و خوشبختانه دوره وزارت فرهنگی آقای خاتمی بود و می‌توانم فکر کنم که آسان نبود نشر کلیدر با وجود نظری که ابراز شده بود از جانب رئیس اتاق ممیزی، وقتی وارد جمع ممیزها شده و گفته بود «یک شاهکار در این مملکت به وجود آمده، و من آن را خمیر می‌کنم!» با وجود چنان اظهار نظر قاطعی در فواصل سال‌های ۶۴-۶۲ می‌توانید تصور کنید کوشش خاتمی و نزدیکان ایشان، از جمله آقای فریدزاده و تلاش‌های پیگیر دیگر دوستان با حسن نیت، آسان نبود انتشار کتاب. با وجود این به محض جابه‌جایی وزیر فرهنگ، در وزارت آقای مهندس میرسلیم، جلوی انتشار کلیه آثار من، از جمله کلیدر بسته شد به مدت پنج سال، (به استثنای یک چاپ «جای خالی سلوچ») و چنان شرایطی وقتی برای من پدید شد که از دانشگاه هم کنار گذاشته شده بودم و جنگ هم شدت یافته بود، کس‌وکارم آواره شده بودند و مانده بودم با خانواده و فرزندان دو تا دوازده ساله و... تو خود بخوان حدیث مفصل را...»

با همه آن مصایبی که بر محمود دولت‌آبادی در طول سال‌های چاپ و نگارش «کلیدر» رفت، این رمان بالاخره چاپ می‌شود اما پس از جلد‌های اولیه و انصراف ناشر، باز دچار وقفه می‌شود. تا اینکه داوود موسایی، مدیر نشر فرهنگ معاصر با پذیرفتن چاپ «کلیدر»، دوره